

سفر السیسی به امارات، مانوری در زمین استعمارگران و تأکیدی بر نبود حاکمیت مشروع است

سفر السیسی به ابوظبی در روز چهارشنبه ۴ ژوئن ۲۰۲۵، صرفاً یک حرکت دیپلماتیک فوری نبود، بلکه در چارچوب رقابت شدید میان عوامل استعمارگران که بر سر نفوذ در منطقه کشمکش دارند و از نظام‌های وابسته خود برای اجرای نقشه‌هایشان بهره می‌برند، انجام شد. این سفر ناگهانی که از پیش اعلام نشده بود، پاسخی مستقیم به سفر وزیر خارجه ایران، عباس عراقچی، به قاهره بود؛ صحنه‌ای که میزان افشای نظام‌های موجود و وابستگی کامل آن‌ها به قدرت‌های استعمارگر غربی را نشان می‌دهد.

امارات، عامل وفادار بریتانیا در خلیج فارس که سیاست‌هایی پیشرفته را در یمن و لیبی و سودان و شاخ آفریقا در خدمت بریتانیا اجرا می‌کند، گاهی در موضوعات فرعی طبق سیاست‌های آمریکا حرکت می‌کند، اما همچنان ابزار برتر بریتانیا در خاورمیانه برای مقابله با طرفداران آمریکا به‌ویژه عربستان، ترکیه و مصر باقی‌مانده است.

سفر السیسی به امارات با هدفی دوگانه انجام شد: نخست، اطمینان دادن به ابن زاید مبنی بر این که قاهره قصد ندارد در گشایش به‌سوی تهران زیاده‌روی کند؛ و دوم، تجدید پیوند سیاسی با امارات که همچنان ریسمان مالی است که نظام مصر علیرغم کاهش کمک‌ها از آن ارتزاق می‌کند.

اما پشت این اهداف ظاهری، واقعیت عمیق‌تری نهفته است: نظام مصر، با وجود وابستگی به آمریکا، گاهی برای آرام‌سازی فضا با امارات حرکت می‌کند و السیسی جز با چراغ سبز آمریکا نمی‌توانست چنین سفری انجام دهد که این نشان‌دهنده آن است که آمریکا با باز بودن خطوط ارتباطی میان عوامل خود و عوامل بریتانیا مخالفتی ندارد، مادامی که این امر به تثبیت نفوذش در مصر و منطقه خدمت کند.

برای روشن‌تر شدن موضوع: ایران نه دشمن واقعی آمریکا است، نه امارات و نه مصر، بلکه ابزاری است در دست آمریکا برای مشغول کردن منطقه، تضعیف آن و بازطراحی نقشه‌های سیاسی و فرقه‌ای آن. استقبال نظام مصر از عباس عراقچی به معنای چرخش علیه آمریکا یا نزدیکی واقعی به محور به اصطلاح «مقاومت» نیست، بلکه اقدامی حساب‌شده در چارچوب مدیریت نفوذ آمریکا در منطقه است، به‌ویژه پس از پیشرفت در عادی‌سازی منطقه‌ای و گشایش اقتصادی؛ جایی که آمریکا به دنبال کاهش تنش با ایران است، خصوصاً با توجه به درگیری‌هایش در آسیا و چین و روسیه.

باین حال، بریتانیا از این روند راضی نیست و تلاش می‌کند عوامل خود را کنترل کند و از باز شدن بیش از حد آن‌ها به‌سوی ایران خارج از چارچوب تعیین‌شده جلوگیری نماید. بی‌تردید این امر دلیل آن سفر فوری و مذاکرات صورت‌گرفته برای تأکید بر تداوم هماهنگی و جلوگیری از هرگونه اقدام احتمالی است که نفوذ بریتانیا را در موضوع سودان، دریای سرخ یا لیبی که امارات به‌طور مؤثر برای بریتانیا اداره می‌کند، تضعیف کند.

آنچه در جریان است، به اختصار، نزاع نفوذ میان آمریکا و بریتانیا با ابزارهای محلی در میدان‌های امت است. امارات به دلیل پیوند تاریخی و ساختاری با بریتانیا می‌کوشد جلوی گسترش نفوذ آمریکا در منطقه را بگیرد و تلاش دارد بخش‌هایی از نفوذ از دست‌رفته بریتانیا را که به سود آمریکا از دست رفته بود، بازپس گیرد. السیسی که مرد آمریکا است، گاهی از طریق روابط پیچیده‌اش با امارات و عربستان و حتی روسیه و چین، مانور می‌دهد؛ اما این نیز در چارچوب برنامه‌های آمریکا و آنچه به منافع پروژه‌هایش خدمت کند، صورت می‌گیرد.

واقعیتی که امروز مشاهده می‌کنیم؛ سفرها، ائتلاف‌ها، تهدیدها، امتیازدهی‌ها هیچ ارتباطی با حکم شرعی یا اجرای اسلام ندارد، بلکه کاملاً غرق شدن در باتلاق سیاست استعماری است که فقط قدرت و منفعت را می‌شناسد و امت اسلامی را جز میدان نفوذی که غرب استعمارگر با ابزارهایش بر سر آن رقابت می‌کند، نمی‌بیند.

اصل در روابط با کشورهای استعماری محارب همچون آمریکا و بریتانیا و امثال آن‌ها، جنگ و دشمنی است، نه همکاری و ائتلاف؛ اما نظام‌های دست‌نشانده و وابسته به آن‌ها مانند امارات، ایران و مصر، حکمشان برکناری است و نه مراعات آن‌ها جایز است و نه ائتلاف با آنان، بلکه باید خلافت راشده بر خرابه‌های آن‌ها برپا شود. پس هیچ مسلمانی جایز نیست در برابر این بازیچه کردن امت اسلام، زیر پوشش «توازن» و «عملگرایی» و «ثبات» سکوت کند!

بی‌تردید ثابت شده است که نبود خلافت، عامل تبدیل سرزمین‌های مسلمانان به میدان نزاع قدرت‌های بزرگ و نظام‌های کارگزار آنها شده است؛ مانند امارات و ایران و مصر و عربستان و ترکیه که همه بدون استثنا سیاست‌های خود، به‌ویژه سیاست خارجی را براساس دستور استعمارگران تنظیم می‌کنند.

تنها خلافت راشده بر منهج نبوت است که می‌تواند به وابستگی پایان دهد و امت را در دولتی واحد گردآورد و آنگاه ارتش‌ها را برای نصرت اسلام، نه حمایت از کارگزاران دشمن، به حرکت درآورد و سیاست خارجی را براساس عقیده اسلامی قرار دهد، نه بر مبنای توازن منافع غربی. خلافت است که می‌تواند به این نزاع استعماری پایان دهد، امت را به بازیگری سرسخت تبدیل کند، نه دنباله‌رو و ذلیل و مناسبات بین‌المللی را بر اساس اسلام بازآفرینی کند و کافر استعمارگر را از همه سرزمین‌های مسلمانان بیرون راند، بلکه اسلام را با دعوت و جهاد به‌سوی آنان ببرد تا اسلام بار دیگر بر زمین حکم‌فرما شود.

اکنون زمان آن رسیده است که امت غبار غفلت را بتکاند و درک کند که زندگی زیر سایه خلافت، تنها تضمین عزت و حاکمیت است؛ و یاری الله سبحانه‌وتعالی بر کسانی نازل نمی‌شود که به طاغوت‌ها حکم می‌برند، بلکه بر کسی نازل می‌شود که پرچم توحید را برافرازد و دین را چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمان داده‌اند، برپا دارد.

ای مردم سرزمین کِنَآنَه، ای کسانی که در تاریخ خود پرچم فتح و پرچم توحید را بر دوش کشیدید، آنچه امروز از گرانی و فقر و خواری و تسلیم می‌بینید، سرنوشتی ناگزیر نیست، بلکه ثمره تلخ حکومت سرمایه‌داری و وابستگی حاکمان به دشمنان امت از مستعمران است. آنان زمین و آبرو را فروختند و دین و دنیا را تباه کردند، پس نه امیدی به اصلاح آنان هست و نه انتظاری برای یاری از سویشان.

شما ای سربازان کِنَآنَه، ای کسانی که سوگند خورده‌اید برای حفاظت از کشور و مردم: بدانید که یاری حقیقی شما برای حاکم ستمگری که بر سینه‌های مردم نشسته نیست، بلکه برای دین الله سبحانه‌وتعالی و شریعت اوست. الله سبحانه‌وتعالی شما را به نیرو و سلاح گرامی داشته است، پس این دو را در خدمت باطل قرار ندهید، بلکه آن را در یاری حق و برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت قرار دهید؛ همان خلافتی که سلطنت اسلام را باز می‌گرداند، عزت را به مصر باز می‌گرداند، وحدت را به امت برمی‌گرداند و آزادی را به مسجدالاقصی می‌دهد. پس مانند مردان بدر و شمشیرهای قادیسیه و سواران عین جالوت باشید؛ آنان که در برابر ظلم ایستادند و دین الله سبحانه‌وتعالی را یاری کردند، پس تاریخ نامشان را جاودانه ساخت و الله سبحانه‌وتعالی از آنان خشنود شد. اگر چنین کنید، در دنیا عزت برای شماست و در آخرت باغ‌هایی به پهنای آسمان‌ها و زمین، وعده‌ای از جانب الله سبحانه‌وتعالی که الله سبحانه‌وتعالی هرگز وعده‌اش را خلاف نمی‌کند.

«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» «و قطعاً الله کسانی را که او را یاری می‌کنند، یاری خواهد کرد. بی‌گمان الله قوی و عزیز است»

برگرفته از شماره ۵۵۱ جریده الرایه